

## ترانه‌های نوازشی کودکان در منطقه‌ی خزل



کبری خزائی

### اشاره

در فرهنگ‌گان شماره‌ی ۳۸ (پاییز و زمستان ۱۹) لای لائی در فرهنگ مردم خزل شهرستان نهاوند از نظرتان گذشت. در این شماره بخش دوم آن را که به ترانه‌های نوازشی کودکان آن منطقه مربوط است، ملاحظه می‌کنید. تهیه‌کننده‌ی این ترانه‌های محلی سرکار خانم کبری خزائی کارشناس ارشد رشته‌ی مردم‌شناسی هستند. توفیق بیشتر ایشان را در بررسی و پژوهش این سلسله مباحث (نهاوند‌شناسی و نهاوند پژوهی) آرزو می‌کنیم.

فرهنگ‌گان

ترانه‌های نوازش کودک، در عین این که عرصه‌ی انتقال ایثار، محبت، مهربانی و شادی قلب و روح نوازش‌دهنده (مادر یا دیگری) به کودک‌اند، نشان‌دهنده‌ی برخی عقده‌ها، کمبودها و امیال سرکوفته به شمار می‌روند و از این حیث، مضمون این جنس از ترانه‌ها به لالایی‌ها شبیه است (سمنانی - ۱۳۷۶).

ترانه‌های نوازشی مضمون‌های مختلف و متنوعی دارند و جنسیت و رنگ پوست را نیز شامل می‌شوند. این مضمون‌ها بعضاً آگاهانه و حساب شده نیستند و معمولاً ارتباط منطقی اجزای ترانه‌ها تحت تأثیر موسیقی کلام قرار می‌گیرد. این ترانه‌ها برخلاف لالایی‌ها در هنگام بیداری و توسط افراد دیگری غیر از مادر نیز برای کودک خوانده می‌شود.

در میان این ترانه‌ها، همانند دیگر بخش‌های فولکلور، می‌توان مسائل مختلفی همچون رویدادهای تاریخی، اقتصاد و نحوه‌ی معیشت، نام‌های جغرافیایی، باورها و تلقی‌های اجتماعی، از جمله تفاوت تلقی اجتماعی از دو جنسیت پسر و دختر و ... را مشاهده نمود. برای مثال ترانه‌های نوازشی خزلی‌ها عموماً خطاب به پسران گفته شده که نشان دهنده‌ی برتری داشتن جنسیت پسر نسبت به دختر از دیدگاه خانواده‌ها و در نتیجه اجتماع است.

در ادامه‌ی این مبحث به ترانه‌های نوازشی کودکان، که عمدتاً مربوط به پسران است، می‌پردازیم.

### ترانه‌های نوازشی پسران

شکر م کردیه و دایه رنج کس نچو و ضایه

شکر م کردیه و من، من دا سیو کر سمن

( okram kerdyā va d ya, ranj kas na u va z ya)

( okrem kerdyā va man man, d syo kor saman)

دایه را شکر کرده‌ام که رنج کسی به هدر نرود. بسیار بسیار شکر گفته‌ام، مادر سیاه و پسرش سفید است.

در این ترانه‌ی نوازشی مادر، پسرش را ثمره‌ی رنج‌های خود می‌داند و از خدا می‌خواهد که رنجش به هدر نرود و پسرش سالم بماند. هم‌چنین از این که چهره‌ی پسرش روشن است — هر چند خودش تیره — خدا را شکر می‌کند.

\* \* \*

شکر خدا نوینه دتی      بینه کردم سل کتی  
 ار بیاینه دتی چم مکرد      هنل هنل وامه مکرد  
 دوجا شوگار بارمه مکرد

( okræod nowina dete, bina kore dom sol kote)

(Ar b      nælete ama makerd, ha el ha el v ma makerd)

(Doj      oġ b rma makerd)

خدا را شکر می‌گویم که دختر نشده‌ای و پسر سییل کوتاهی شده‌ای. اگر دختر می‌شدی من از سر ناچاری چه می‌کردم؟ دچار غمباد می‌شدم و نصفه‌های شب از اینجا کوچ می‌کردم.

\* \* \*

چریمه علی بیسه کری      اربیا دتی موریام پتی  
 بیسه کری مومه خری

( čima ali b      sa kori, ar by deti mory m peti)

(Byasa kori moma xeri)

به حضرت علی (ع) متوسل شده‌ام که فرزندم پسر شده است. اگر دختر می‌شد دماغش را می‌بریدم. پسر شده است و دور او می‌گردم.

\* \* \*

کر نازارم مل قاو قاو      چادر آوشتیه الا آو

ارا دتل چمکاو      تنیا ماله چونه ماو

کافر و حال دای ناو

(Kor n z ram mel q wq w, ader w tya l w)

(Ar detale amk wtany m la nam w)

(K fer va h l d yn w)

پسر خوبم با موهای مجعد، در آن سوی رودخانه چادر زده است، برای دختران چشم آبی. در آنجا تنهاست و مادر نگران اوست. امیدوارم حتی کافر به حال و روز مادر مبتلا نشود.

\* \* \*

ماللک و کلتن!      کره کورپه نیتون؟

رتنه مله دویتون      کش کش کنید بیایه

سر کاکولش طلایه      دل داش دهول در آیه

(M lelaka va kolton, kora kurpe nyton?)

(Rata mala dowiton, ke ke kom by ya)

(Sar k kule te y, del d hal der ya)

اهالی همه‌ی خانه‌ها گوش کنید! پسر کوچکی را ندیده‌اید؟ به محله‌ی بی غیرت-ها رفته است. او را [که همچون یک جوجه است] بفرستید تا به خانه بازگردد. سر کاکولش طلائی است، تا مادرش از دل نگرانی بیرون آید (این ترانه ترکیبی از هر دو گویش لکی و لری است).

\* \* \*

نوشتیو پایه داری	دایا پیرو پاتاری
کر کورپه‌ای دایه مال	خدا رمه کرده حال
بگر رنی می داته	هنی خدا تو داته
بگر دنی ملک داته	هنی خدا تو داته
گل زوتر میاته	شکر خدا تو داته

(D piro p t α, n̄ap̄ ye d re)  
 (Xod rame kerde h l, kor kurpe d ya m l)  
 (Hane xod to d t̄ebeger rane me d te)  
 (Hane xod to d t̄ebeger do e melk d te)  
 ( okr xod to d t̄egale z̄ter myte)

زنی پیر و فرتوت در پای درختی نشسته بود. خداوند از سر لطف و کرم خود، پسر کوچکی به این خانه عطا کرد [صاحب فرزند شد و این چنین شکر کرد:]: از وقتی خداوند تو را به ما داد، گویا یک گله گوسفند به ما داد. از وقتی خداوند تو را به ما داد گویا یک دانگ ملک به ما داد. خدا را شکر که تو را به ما داد، کاش کمی زودتر تو را به ما داده بود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال علم علوم انسانی  
 این ترانه‌ی نوازشی زبان حال مادری است که در سن بالا صاحب پسری شده است و پسرش را به اندازه‌ی تمام هستی و دارایی‌اش دوست می‌دارد.

\* \* \*

شکرم کردیه‌ای صوره	تفنگ بردی چی ای کوره
تفنگ چی تفنگ لار	کلی بکش باره وار
گل اژن بنیمه دار	دس پا بیمه خارو ژار

خدا نکشیت کر نازار

( okrən kerdyə ey səjəra, tefa berde e ey kəjəra)

(Tefa i tefa l ,rkale beko b ra həv r)

(gale e en benime d r, das p byme x ro r)

(Xod nako tekore n z r)

خدا را شکر می‌گویم که در این صبحگاه، تفنگ به دست گرفته‌ای و برای شکار به کوه می‌روی. تفنگ‌چی، که تفنگت را کج به دوش گرفته‌ای! یک "کل" شکار کن و برایمان پایین بیاور، کمی از گوشت آن را برای خودمان بار بگذاریم و دست و پایش را به فقیر و بیچاره‌ها بدهیم. خدا تو را از ما نگیرد ای پسر نازنین.

در گذشته‌ای نه چندان دور، با وجود حیوانات وحشی همچون کل، بز کوهی، آهو و... در کوه‌های مرتفع خزل، شکارچی شدن پسر آرزوی هر مادری بوده است. مادر در این ترانه برآورده کردن این رؤیای خود را در قالب یک ترانه‌ی نوازش از پسرش می‌خواهد.

\* \* \*

مال مالداري نمکم      تا ای کرمه کلن کم

هنی کرم کلن بی      مال مالداريم تموم بی

مال مالداريم و کول گای      هنا بکم کرم بای

مال مالداريم چيو چه      دو کاسه و دو کمچه

مکه خرای بیچه

(M l m l d irnemakam, t ɣ korma kale kam)

(Hani koram kale bi, m l m l d im tamom bi)

(M l m l d im va kul g y, hen bekam koram b y)

(M l m l d im yo a, do kase o do kam )

(Makame xer ey ba a)

من خانه‌داری و زندگی نمی‌کنم تا این پسر را بزرگ کنم. هنگامی که پسر بزرگ شود، خانه‌داری و زندگی من هم تمام می‌شود. خانه و زندگی‌ام را بر پشت یک گاو می‌گذارم و پسر را صدا می‌زنم تا بیاید. خانه و زندگی من چه چیزهایی است؟ دو کاسه و دو ملاقه است، که همه را فدای این بچه می‌کنم.

\* \* \*

کینیکه ور مال زل زله مکه      کرکم نیشتیته مامله مکه  
مامله منو تو سر نمگری      ای کراس تافته ور نمگری

(K nake var m l zel zala make, korakam ni ya m mla make)  
(M mela meno to sar nemagere, e ker s t tfa var nemagere)

چشمه‌ی جلوی خانه در حال جوشش است. پسر نشسته و مشغول معامله کردن است. معامله‌ی من و تو انجام نمی‌پذیرد، این لباس بافته شده دوام نمی‌آورد. در این ترانه مادر پسرش را این گونه تصور می‌کند که بزرگ شده و کسب و کاری برای خود ترتیب داده و مشغول معامله کردن است.

کر کورپکم دو دونی      سر ای بونا می‌دونی  
کلاو کلاو و دسش      پی عاموا چاو مسش (لری)

(Kor kurpakam dew dewone, sar ey bon medewone)  
(Kel wkel ve dase pe muy w mase )

پسر کوچکم دوان دوان بر روی بام‌ها می‌رود. کلاه و کفشش را به دست گرفته و به دنبال عموهای چشم مستش می‌دود.  
داشتن عمو برای فرزند، به ویژه فرزند پسر، مایه‌ی دلگرمی مادر است.

در ته کول ژنل شو دار      کر سیه میوه دا  
 در ته کول ژنل بیوه (لکی)      کر سفید بی میوه

(Kore sye miva d r, darta kul enale چ d)

(Kore sefed be miva, darta kul enale biva)

پسر سیاه بانمک! زنان شوهردار فدای تو بشوند. پسر سفید بی نمک! زنان بیوه فدای تو شوند.

مضمون این ترانه تکیه بر پسر بودن فرزند است و چه سفید باشد و چه سیاه برای مادر دوست داشتنی است.

\* \* \*

کینیکه ور مال شش پلو آوه      بوشنه برا کم پا بنیه‌ای راه  
 ای راه مچین سنگت سنگین که      ده تیر باوژه شون بالا رنگین که  
 بالا چو مینو دنون چو شیشه      هر چی کس درم اسیگار کیشه  
 اسیگار کیشه‌ها و ابونه      ذنم کور نکه ابرا گیونه (لکی)

(Kyn ke var m l a lpa w, bu nber kam p benye r wa)

(E r wa ma in sa et sa in ka, da tir b w e on bl a r in ka)

(B l چ minu denon چ i,ahar e kas derem a sig r ki a)

(A sig r ki a hva a bona, zenem kur naka a ber gyona)

چشمه‌ی جلوی خانه مالا مال از آب است. به برادرم بگوئید از قسمت کم عمق آب رد شود. بگوئید وقتی از آب رد می‌شود سرسنگین باشد، تفنگ ده تیرش را بر دوش بیندازد و آراسته باشد. قامت آن سیگار به لب، همچون مینو زیبا و دندانش همچون شیشه است. او همه‌ی کس و کار من است. آن سیگار به لب، بر بالای آن بام ایستاده است. حواسم را پرت نکنید، او برادر عزیز من است.



این ترانه‌ی نوازش از زبان یک خواهر است که البته ممکن است توسط مادر یا دیگری هم برای کودک خوانده شود. نکته‌ی قابل تأمل در این ترانه، این است که سیگار کشیدن نه تنها تقبیح نشده که نشانه‌ی تشخیص و محبوبیت تلقی گردیده است.

\* \* \*

کرم کرانی کردیه      هف سال شوانی کردیه  
یه مه لره مزسه      یه گرگ گره دزسه (لکی)

(Korem kor ni kerdeye, haf s 1 çvani krdya)  
(ye me lare mezase, ye gorg gare dözase)

پسرم کار شاق و منحصر به فردی انجام داده است. هفت سال چوپانی کرده است. گوسفند لاغری مزد اوست. یک گرگ گر دزد گله‌ی اوست.

\* \* \*

و کیه مورین وی طرزه      وی هالوول مل برزه  
و کیه مورین وی وینه      وی عموول شیر سینه (لکی)

(Va kya morin vy tarza, vy h lu?al mel barza)  
(Va kya morin vy vena, vy amçval resina)

ظاهر تو شبیه به چه کسی است؟ شبیه به دایی‌های گردن فرازت است. ظاهر و اندام تو که به این خوبی است شبیه به چه کسی است؟ شبیه به عموهای قوی هیکت است.

همان طور که قبلاً اشاره شد، با توجه به پر رنگ بودن روابط قومی و طایفه‌ای در منطقه، به خصوص در گذشته، وجود عموها و دایی‌های بسیار، آن قدر برای مادر

اهمیت داشته که زیبایی و اندام قوی آن‌ها را مضمون ترانه‌های نوازشی و لالایی‌های خود قرار می‌داده است.

\* \* \*

هر نون نیرم هر سیرم      شکر خدا کری دیرم  
هر نون نیرم ناشتامه      کورپه کری همسامه (لکی)

(Har non nyarem har serem, okræod kore derem)

(Har non nyarem n tamakurpa kore homsama)

اصلا به غذا احتیاجی ندارم و مدام سیر هستم، خدا را شکر که یک پسر دارم.  
اصلا غذا نمی‌خورم پسر کوچکی که همسایه‌ی من است همچون ناشتا و غذای من است.

\* \* \*

شابرا، شابرا، شابرا ری      مچین شر چه بارین؟  
قبه و قرطه و سرداری      ازا دالکتسه مارین (لکی)

( ber ber ber ri, ma ina ia a b rin)

(Qabbo qarto sard ri, ar d lakata m in)

شاه برادر، شاه برادر، شاه برادر منی، به شهر می‌روی چه چیزی بیاوری؟ قبه و قرطه و ردا برای مادرت می‌آوری.

در این ترانه مادر، رؤیای بزرگ شدن پسرش و به شهر رفتن و سوغات آوردن او را مضمون ترانه قرار داده است.

\* \* \*

یا شاممه هاینه ادنه      نکشین ای کر منه  
یا شاممه هاینه ادچه      نکشین ای بچکه (لکی)

(y mame h na dana, nako ri ey kor mena)

(y mame h yna a de a, nako ri ey ba eka)

ای شاهزاده محمد که بر آن بلندا ایستاده‌ای! این پسر مرا از من نگیر. ای شاهزاده  
محمد که بر آن لبه ایستاده‌ای! این بچه‌ی کوچک مرا از من نگیری.

\* \* \*

مالل، مالل، مال پسا      کاور و توشکه و دسا

کرم ا خراسون هتیسا (لکی)

( lal m lam l pas , k wer ta ke vdas )

(Korme xor son hatyas )

اهالی همه‌ی خانه‌ها در حالی که بز و گوسفندی را به دست گرفته‌اند به خانه‌ی  
ما آمده‌اند چرا که پسر از زیارت خراسان باز گشته است.

\* \* \*

ای خدا بورکه شرکه      ای خدا پر ژیره کر که (لکی)

(Ey xod buraka raka, ey xod per ire kor ka)

ای خدا زیرانداز کهنه‌ی ما را کهنه‌تر از این کن اما زیرش را پر از پسر کن.

\* \* \*

کلکونه طلا آوتمه کوتی      دتل مزگنا براهاته دی (لکی)

(Kelkona tel wtema kuti, detal mozgon ber h ta di)

انگشتی طلا را در قوطی انداختم، دختران مژدگانی بدهید، برادرتان به دنیا آمد.

\* \* \*

شکری کردم و بارگه      کلمک کرم هه کارگه (لری)

( okrkerdam ve b rga, kalmak korem he k rga)

به بارگاه خدا شکر می‌گویم که لباس پسرم در کارگاه است.

\* \* \*

شکرم کردیه پیرل گشت      کرم قلمی بگریه مشت (لکی)

( okrm kerdya piral ge tkorem qelami begre me t)

همه‌ی پیرها - دونها - را شکر گفته‌ام که پسرم بتواند قلم به دست بگیرد و

باسواد شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

شکری بکم پیرالی      دامن کرم نوه حالی (لکی)

( okrbekam pir li, d mon korem najva h li)

پیر والی - یکی از دونها - را شکر می‌گویم که دامن پسرم را خالی نکند - پسرم

ازدواج کند و صاحب فرزندان پسر شود.

\* \* \*

شکر بکم و مولا      ارا ای کور نوملا (لکی)

( okɛ bekam va mɔl , ar ey kor numel )

مولا - حضرت علی علیه السلام - را شکر می گویم، برای این که پسرم تازه باسواد شده است.

\* \* \*

شکر بکم باوه مه      کرم گله گاهه مه (لکی)

( okɛ bekam b w me, korem gele g wa me)

بابا محمد - بابای بزرگ - را شکر می کنم که پسرم بزرگ شده است و می تواند دست و پای خود را تکان دهد (چند ماهگی نوزاد).

\* \* \*

شکر کنم شکر هنی      هم شرا کیش هم دروونی (لری)

( okɛ konem ote hani, ham aiki handerɔani)

خداوند را دوباره شکر بگویم، برای این که می توانی کارهای کشاورزی مرا انجام دهی.

در این ترانه به یکی از دلایل برتری داشتن جنس پسر نسبت به دختر از نگاه خانواده یعنی توانایی انجام کارهای دشوار کشاورزی، اشاره شده است.

\* \* \*

یا شاممه لا کرماشون      ای کر مه نکینه هراسون (لکی)

(y mame l kerm on, ɣkorma nakyna her son)

یا شاهزاده محمد، که در نزدیکی کرمانشاه هستی، این پسر مرا هراسان نکن.

خدا نکشین یه زشته      یه مرادی پیرل گشته (لکی)

(Xod nako ni ya ze ta, ʔmer di piral ge ta)

خدایا این فرزند زشت مرا از من نگیر، چرا که او را از تمامی پیرها مراد گرفته‌ام. در این ترانه، نه اینکه کودک واقعاً زشت است بلکه مادر از سر دلسوزی مادرانه و با هدف مصون شدن فرزندش از گزند خطرات، به او صفت زشت بودن می‌دهد. مشابه این کار دوداندود کردن صورت پسران زیبا برای جلوگیری از چشم زخم است.

\* \* \*

خدا نکشین یه دینه      یه مرادی ایمم حسینیه (لکی)

(Xod nako ni ya dena, ya mer di imom hosena)

خدایا این فرزند من مرادی امام حسین (ع) است. او را از من نگیر.

\* \* \*

براکم کشتیه کل هفت سالی      یا ایمم رضا زور بینه بالی

براکم کشتیه کل دم بوری      یا ایمم رضا کم نکین زوری (لکی)

(Ber kam ko ɛye kale haf s le, y imom raz zur byna b le)

(Ber kam ko ɛye kale dam bure, y imom raz kam nakyn zure)

برادرم یک کل هفت ساله را شکار کرده است، یا امام رضا به بازوانش نیرو بده.

برادرم یک کل دهن بور را شکار کرده است، یا امام رضا توانش را کم نکن.

\* \* \*

کر کورپکم و سر دنوه و خره کاغذ ملکل سنوه (لکی)

(Kora kurpakam va sar danava, va xera k yaz melkal sanava)

پسر کوچکم بر بالای بلندی ایستاد و با صدای خش خش کاغذ املاک تسخیر شده را باز پس گرفت.

منظورش این است که پسر باسواد شده است. در واقع مادر آرزو می کند که پسرش باسواد باشد و چنین کاری انجام دهد.

\* \* \*

کیسل هتیه خش خش خدا تو کر کس نکش (لکی)

(Kisal hatya xe xā , xod to kor kas nako )

لاک پشت به حرکت در آمده است [شاره به دست و پا زدن نوزاد] خدایا تو پسر هیچ کس را از او نگیر.

\* \* \*

خدا نکشین کر کس نوم انانی و ار مکشین میو پس

نم چمچمال فره هس

(Xod kako ri kore kas, ar mako in my pas)

(Nom m m fera has)

خدایا تو پسر هیچ کس را از او نگیر، اگر هم قرار است چیزی را از کسی بگیری گوسفندهای او را بگیر.

در منطقه‌ی چمچمال — منطقه‌ای خوش آب و هوا در استان کرمانشاه — گوسفندان فراوانی وجود دارد.

## ب) ترانه‌های نوازشی برای دختران

سق‌ری و نوک پاتا بو	بیمت جای جاتا بو
تا دور سرت بگیری	بیمت پیاژن مردی
سگ پاس مردم نایه گیژمن	بیمت وژ وژمن
هر که مرده مایه پیش	هزار تمن سیصد میش
هر که مرده مچسبی	هزار تمن و اسبی

(Byamta j ý t bu, saqari va nok p t bu)

(Byamta py an merdi, t dor saret begirde)

(Byamta we a we emon, sag p s mardem n ge mon)

(Hez r teman sesad me , hake marda m ýpe )

(Hez r teman o asbe, hark e marda ma asbe)

تو را به جایی شوهر می‌دهم که استحقاقت را داشته باشند و کفش شیک و قیمتی بپوشی (پولدار باشند). تو را به مرد زن مرده‌ای شوهر خواهم داد تا دور سرت بگردد (خیلی دوست داشته باشد). تو را به فامیل خودمان شوهر می‌دهم تا سگ دیگران به ما پارس نکند (سگ مراقب و وفادار به آشنایان است اما به غریبه‌ها پارس می‌کند). شیربهای تو هزار تومان و سیصد میش است، هر کس مرد میدان است و با این شرایط تو را می‌خواهد قدم جلو می‌گذارد. شیربهایت هزار تومان و یک اسب است، هر کس مرد است، فرصت را غنیمت می‌شمارد و قدم جلو می‌گذارد.

\* \* \*

شکر ا خدا شکر ا پیر گنم گونه برژن هویل (لکی)

( okr exod okrepir, ganem gune o ber e hja)



خدا و پیرها را شکر می گویم برای این گندم گونه و مژه بور. در این ترانه جنسیت ذکر نشده است اما بیشتر برای دختران به کار می رود.

\* \* \*

دتی درم دم چوقن زمام گرمی کاکاون

سور برمه ارا نیاون (لکی)

(Dete derem dam qan, zem m kami k k wan)

(Sar berma r ny wan)

دختری دارم که دهانی همچون قند دارد، دامادم گرمی کاکاوند است، عروسی اش را به نهایند می برم.

این ترانه یادآور یک واقعت تاریخی است. بر اساس تحقیقات نگارنده، محمد گرمی کاکاوند - از اهالی لرستان - سرکرده‌ی گروهی از یاغیان بوده که در دهه‌ی ۱۳۳۰ در بخش خزل و شهرهای مجاور آن به غارت پرداخته و ایجاد رعب و وحشت فراوان نموده است.

این ترانه گویای یک باور نیز هست و آن این که در گذشته برخلاف امروز، مردم با این تصور که یاغیان مردمان تنومند و قوی هیكلی بوده و دارای مال و ثروت فراوانند، نه تنها به دامادی گرفتن آنها، ننگ و عار نبوده بلکه آن را مایه‌ی مباحثات خود و خوشبختی دخترانشان نیز می دانسته‌اند. از طرفی هم، خانواده و تبار دختر از خطر غارت آنان مصون می ماندند.